

تبیین واژگان آیات قرآن توسط عترت در روایات تفسیری اهل سنت

حسین خاکپور*

چکیده: عترت - به عنوان یکی از ثقلین - نقش بسزایی در توضیح و تبیین قرآن داشته است و شمار قابل توجهی از روایات تفسیری معصومین علیهم السلام به تبیین واژگان قرآن اختصاص دارد. مفسران مشهور اهل سنت نقل برخی از این احادیث را و جهة همت خود قرار داده‌اند. با بررسی روایات اهل بیت علیهم السلام معلوم می‌شود که توضیحات معناشناسانه واژگان قرآن توسط آنها از یک نوع نبوده، بلکه از ویژگیها و تنوع خاصی برخوردار است. این مقاله به روش توصیفی - کتابخانه‌ای، با بررسی معناشناختی واژگان قرآن در روایات تفسیری اهل سنت، نتیجه می‌گیرد که: پاره‌ای از توضیحات عترت از سنخ تبیین ظاهری و دسته‌ای از مقوله بیان مصداقی، در مواردی بیان تأویلی، توصیفی، توضیحی و... می‌باشد که مقاله حاضر در صدد شناسی برخی از آنهاست.

کلید واژه‌ها: گونه‌شناسی / عترت / اهل سنت / معناشناسی.

*. استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان.

Email: dr.Khakupur@yahoo.com

درآمد

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله وظیفه تبیین آیات الهی را به عهده دارند. در میان این بزرگواران، برخی فضایی نسبی برای ترویج احکام و آیات الهی به دست آوردند و از این رهگذر، مردم از چشمه زلال عترت بهره بردند، به طوری که روایات معناشناسی واژگان قرآن توسط آنها، در منابع اهل سنت نیز انعکاس یافته است.

بی تردید یکی از شیوه‌های مهم فهم قرآن، شناخت معانی و تطورات آن است؛ زیرا گاه یک واژه در گذر زمان، معنی اولیه خود را به طور طبیعی از دست می‌دهد و زمانی، الفاظ حوزه معنایی جدید می‌یابند. واژگانی همچون صلاة و زکات، از این گونه‌اند.

در معناشناسی واژگان دینی عترت، در حوزه حدیث شیعه مطالب اندکی نگاشته شده (نک: معارف، شناخت حدیث، ص ۱۴۹؛ همو، گونه‌شناسی تبیین واژگان دینی در روایات معصومان، ص ۱۸۵) اما این بررسی در روایات تفسیری اهل سنت تاکنون انجام نشده است. با تأمل در این مصادر می‌توان گفت: بخش قابل توجهی از روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام به معناشناسی واژگان اختصاص دارد. در آن روایات معصوم، به شیوه‌ها و گونه‌های متفاوت - بسته به شرایط حاکم بر سطح فهم مخاطب - به تبیین واژگان قرآن می‌پردازد. اینک نگارنده بر آن است تا گوشه‌ای از این معناشناسی را به تصویر بکشد.

۱. بیان ظاهری (تفسیری)

برخی از مفسران و اهل نظر را رأی بر این است که «تفسیر»، بیان ظاهر است؛ اعم از اینکه توضیح و شرح الفاظ ناآشنا باشد (راغب اصفهانی، ص ۴۸؛ زرکشی، ج ۱، ص ۱۴-۱۵) یا بیان مفاد استعمال کلام بر مبنای ادبیات زبان و اصول عقلایی محاوره. (بابایی، ص ۲۳)

روایات معناشناسی واژگان قرآن در این حوزه که توسط عترت علیه السلام بیان شده، گاه اجزای عقلی یک تصویر است و به دیگر سخن «مفهوم» را بیان می‌کند و زمانی یکی از افراد آن مفهوم را به تصویر می‌کشد، یعنی «مصادق».

به عنوان نمونه در آیه ﴿فَن يَكْفُر بِالطَّاغُوتِ﴾ (بقره ۲ / ۲۵۶)، مفهوم ظاهری «طاغوت» سرکشی و فراز خواهی و مصادق ظاهری آن سرکشان تاریخ است. بر این اساس، بیان ظاهری معصومین خود گونه‌های مختلفی دارد که برخی را بیان می‌کنیم.

۱-۱) توضیح واژگان بر اساس زبان و ادبیات عرب

در این نوع، معصوم معنای ظاهری واژه‌ای را با استفاه از استعمال عرب بیان می‌کند؛ به عنوان نمونه:

از امام علی علیه السلام در معنی «رعد» سؤال شد، امام علی علیه السلام فرمودند: این نزد عرب معلوم بوده و آن را می‌شناخته است. سپس به شعر لبید استناد می‌کند که گفت:

ففَجَّعَنِي الرِّعْدُ وَ الصَّوَاعِقُ بَالِ
الفارس يوم الكريهة النجد

(قـرطبی، ج ۲، ص ۱۹۲)

رعد و صاعقه در آن روز ترسناک بارانی - در حالی که سوار بر اسب بودم - مرا ترسانند.

از امام سجاده علیه السلام دربارهٔ واژه «جبرئیل» در ﴿قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ﴾ (بقره ۲ / ۹۷) سؤال شد. امام در بیان ظاهری آن همراه با بیان نکته‌ای فرمودند: «كُلَّ اسْمٍ رَاجِعٌ لِي إِيْلَ فَهُوَ عَبْدُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ هر اسمی که به ایل ختم شود به معنی بنده خداست». لذا «جبرئیل» عبدالله؛ اسرافیل «عبدالرحمن»؛ میکائیل «عبیدالله» می‌باشد. (سیوطی، ج ۱، ص ۲۲۵؛ طبری، ج ۱، ص ۴۳۷)

از امام سجاده و امام باقر علیه السلام ذیل آیه ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾ (بقره ۲ / ۱۳۴) روایت شده که ایشان فرمود: «موقوت» یعنی «مفروض» (ابن کثیر، ج ۲، ص ۲۸۲) پ این دو امام همام، «غیب و شهادت» را چنین بیان فرموده‌اند: «الغیب ما لم

یکن و الشهادة ما كان.» (آلوسی، ج ۲۸، ص ۶۲)

امام صادق علیه السلام در طلیعه سوره نجم، در معنی «هوی» می‌فرمایند: «الهوی: النزول» (قرطبی، ج ۱۷، ص ۸۳؛ مظهری، ج ۹، ص ۷۶) و آیه را در نزول قطب عالم هستی در شب معراج، تبیین می‌نمایند. ایشان در حدیث دیگری ذیل آیه «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ» (حجر (۱۵) / ۷۳)، (متوسمین) را به «تیزهوشان و نازک بینان» تفسیر نموده اند. (آلوسی، ج ۱۴، ص ۷۴؛ سیوطی، ج ۵، ص ۹۰؛ ابونعیم اصفهانی، ج ۱، ص ۱۹۲)

در این شیوه، امام بر اساس قواعد معمول معناشناسی، به ترجمه واژه بر اساس کاربرد اصل لغت می‌پردازد.

۲-۱ تبیین بر اساس کاربرد متکلم

گاه در معناشناسی یک واژه، از موارد استعمال متکلم استفاده می‌شود. این شیوه در معناشناسی واژه‌ای، توضیح واژه‌ای است بر اساس کاربرد همان واژه در جایی دیگر که به وسیله آن لفظ و محتوا کشف می‌شود.

رسول الله در تفسیر «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ» (انعام (۶) / ۸۲) ظلم را به شرک تفسیر و در این خصوص به آیه «إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان (۳۱) / ۱۳) استشهاد فرمود (ابن کثیر، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۵۸)

شخصی از امام حسن علیه السلام درباره معنی «شاهد و مشهود» پرسید، امام گفتند: آیا قبلاً از شخص دیگری پرسیده‌ای؟ گفت: بله، ابن عمر و ابن زبیر، آنها گفتند: روز عید قربان و روز جمعه مُراد است. امام گفتند: نه، صحیح نیست؛ بلکه «الشاهد» محمد صلی الله علیه و آله است. سپس این آیه را خواند «وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيداً» (نساء (۴) / ۴۱)، و «المشهود» روز قیامت است. سپس خواند: «ذَلِكَ يَوْمَ مَجْمُوعٍ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمَ مَشْهُودٍ» (هود (۱۱) / ۱۰۳)، (شوکانی، ج ۵، ص ۵۰؛ آلوسی، ج ۳، ص ۸۶؛ طبری، ج ۳۰، ص ۱۳۰؛ ابن عطیه، ج ۵، ص ۴۰۰؛ ابن کثیر، ج ۷، ص ۲۵۴) در تفسیر «الدر المثور» روایت به همین شکل نقل شده، اما امام حسن علیه السلام به آیه «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِداً وَ مَبْشِراً» (احزاب (۳۳) /

۴۵) استدلال نموده‌اند. (سیوطی، ج ۸، ص ۶۴۶) نیز در کتاب بحار الانوار هم این روایت نقل شده است. (مجلسی، ج ۸۶، ص ۲۶۳)

این روایت از امام حسین علیه السلام نیز نقل شده که ایشان با توجّه به آیه **﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِداً...﴾** فرمود: «شاهد» جدّم رسول خدا و «مشهود» روز قیامت است. (شوکانی، ج ۵، ص ۵۰۴؛ طبری، ج ۱۲، ص ۱۵؛ قرطبی، ج ۱۹، ص ۲۸۴)

از امام باقر علیه السلام روایت شده که از امام علی علیه السلام درباره «هدی» سؤال شد و ایشان با توجّه به آیه **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أَحَلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةَ الْأَنْعَامِ﴾** (مائده (۵) / ۱) آن را از «بهِيمَةُ الْأَنْعَامِ» دانسته و «بهِيمَةُ الْأَنْعَامِ» را با توجّه به آیه **﴿مَنْ الضَّأْنُ اثْنَيْنِ وَمَنْ الْمَعْزُ اثْنَيْنِ... هَدِيّاً بِالْغِ كَعَبَةِ﴾** (انعام (۶) / ۱۴۳)، به انعام هشت‌گانه تبیین نمودند. (سیوطی، ج ۳، ص ۱۹۳)

۲- بیان مصداقی

بیان مصداقی یا «جری و تطبیق» گونه‌ای از تفسیر است که در آن، معصوم «واژه» یا آیه‌ای را با بیان مصداق آن، تبیین می‌کنند و حوزه دیگری در وادی معناشناسی می‌گشایند. «جری» به معنای جریان داشتن، تعبیری است که خود ائمه برای استمرار پیام قرآن در همه زمانها به کار برده‌اند. (میرباقری، ص ۲۳۶؛ شاکر، ص ۱۴۹)

بیان مصداق در کلام معصومین، خود گونه‌های مختلفی دارد که به برخی اشاره می‌شود.

۲-۱ بیان مصداق خاص

نظر مشهور بر شمولیت آیه است: **«الْعَبْرَةُ بِعَمُومِ اللَّفْظِ لَا بِخُصُوصِ السَّبَبِ»** (زرکشی، ج ۱، ص ۳۲؛ زرقانی، ج ۱، ص ۱۱۸-۱۲۲) امّا باید گفت در مورد برخی از آیات، هم سبب نزول آیه و هم مصداق آن خاص است. لذا معرفّی مصداق برخی از آیات، امر مهمی است که مورد توجّه اهل بیت علیهم السلام بوده است، به عنوان نمونه، از امام باقر و صادق علیهما السلام در معرفّی مصداق «أُولُو الْأَمْرِ» ذیل آیه ۵۹ نساء روایت شده که امام

فرمود: «در شأن علی و دو فرزندش حسن و حسین علیه السلام نازل گردید.» راوی می پرسد: چرا خداوند به نام علی و خاندانش تصریح نکرده است؟ امام می فرماید: خداوند نماز را واجب کرد اما تعداد رکعات آن را تشریح نکرد. حج را واجب نمود، اما کیفیت آن را به رسول خدا وا گذاشت. و آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ» را درباره علی، حسن و حسین نازل کرد، و رسولش فرمود: من شما را به کتاب خدا و اهل بیت توصیه می کنم، آنها از هم جدا نمی شوند تا در قیامت بر من وارد شوند. (حسکانی، ج ۱، ص ۱۵۱؛ قندوزی، ج ۱، ص ۳۴۲)

۲-۲) بیان مصداق عام

این مصداق در آیاتی یافت می شود که لفظ و معنای آن صلاحیت پذیرش مصادیق متعدّد را دارند.

امام علی علیه السلام در معنا شناسی «هباء» مصادیق متعدّدی بیان می کند، چون: «شعاع الشمس التي يخرج من الكوة»؛ «ريح الغبار يسطح ثم يذهب فلا يبقى منه شيء و...» بیان نموده است. (نک: سیوطی، ج ۶، ص ۲۴۶، ج ۸، ص ۵، ج ۵، ص ۱۱؛ آلوسی، ج ۱۹، ص ۷؛ ابن کثیر، ج ۵، ص ۱۴۴)

ذیل آیه «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» (حج ۲۲ / ۲۸) روایت شده: «قال محمد بن علي بن الحسين الباقر: «المراد بها العفو والمغفرة». در تفسیر طبری دو حدیث از امام باقر علیه السلام از طریق جابر جعفی، نقل می کند که در اولی، امام می گوید: مراد «عفو» است (جابر عن أبي جعفر: ليشهدوا منافع لهم. قال العفو) و در حدیث دوم، امام می گوید: «مغفرت» است (جابر قال: قال محمد بن علي: المغفرة) که ظاهراً امام در مقام بیان برخی از مصادیق «منافع» هستند. مظهری این دو روایت را تحت عنوان یک روایت آورده است. طبری پس از نقل نظرات مختلف، منافع را عام می گیرد، اعم از منافع دنیوی و اخروی. (طبری، ص ۴۷؛ مظهری، ج ۶، ص ۱۹۶ و ج ۹، ص ۷۶)

امام باقر علیه السلام یکی از مصادیق «وانحر» در سوره کوثر را بالا بردن دست هنگام



گفتن تکبیرة الاحرام دانسته اند. (آلوسی، ج ۳۰، ص ۲۴۷؛ ابن کثیر، ج ۷، ص ۳۸۸؛ سیوطی، ج ۸، ص ۶۵۰؛ طبری، ج ۳۰، ص ۳۲۶)

۲-۳ مصداق اتم:

از این نوع مصداق، گاه به مصداق «اکمل» و «اعلی» هم یاد می شود. معنای آن این است که آیه پذیرای مصادیق متعددی است که از لحاظ رتبه یکسان نیستند؛ اما یک یا چند تن در مرتبه بالاتر از دیگران جای دارند که به عنوان مصداق اتم و اکمل معرفی می شوند.

ذیل آیه «فاسألوا أهل الذکر» از امام باقر علیه السلام روایت شده که چون آیه نازل شد، علی علیه السلام گفت: ما اهل ذکر هستیم. در روایت دیگری از ایشان نقل شده که مراد عترت رسول خدا هستند. در روایت دیگری امام باقر می فرماید: «اهل الذکر ما هستیم». به عنوان نمونه:

عن محمد بن علی قال: لما نزلت هذه الآية: «فاسألوا أهل الذکر إن کنتم لا تعلمون» قال علي عليه السلام: نحن أهل الذکر الذي عنانا الله جلّ و علا في كتابه». (حسکانی، ج ۱، ص ۳۳۶-۳۳۷، ۴ حدیث)

ابن کثیر ذیل آیه مذکور، سخن قابل تأملی دارد. «قول أبي جعفر الباقر: نحن أهل الذکر: و علماء اهل البيت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و الرحمة من خير العلماء إذا كانوا على السنة المستقيمة كعلي و ابن عباس و ابني علي، الحسن و الحسين و محمد بن الحنفية و علي بن الحسين زين العابدين و علي بن عبد الله بن عباس و أبي جعفر الباقر و هو محمد بن علي بن الحسين و جعفر ابنه و أمثالهم و أضرابهم و أشکالهم ممن هو متمسک بحبل الله المتين و صراط المستقیم و عرف كل ذي حقّ حقّه و نزل كل المنزل الذي أعطاه الله رسوله و اجتمعت عليه قلوب عباده المؤمنين». (ابن کثیر، ج ۴، ص ۴۹۲، ذیل نحل ص ۴۳)

در توضیح سخن امام باقر علیه السلام که اهل الذکر ما هستیم، می گوید: علمای اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و الرحمة از بهترین علماء هستند، هرگاه بر سنت مستقیم رسول خدا

باشند؛ مثل علی، ابن عباس، فرزندان علی، حسن و حسین، محمد بن حنفیه، علی بن حسین زین العابدین، علی بن عبدالله بن عباس، ابی جعفر الباقر و جعفر الصادق و پسرش و امثال، شبیه و نظیر آنها از کسانی که به ریسمان محکم الهی و راه مستقیم او چنگ زده، حق هر صاحب حقی را می شناسند و بر جایگاهی که خدا و رسولش و قلبهای مؤمنین به سوی آن است، فرود می آیند.

از این نوع نمونه های دیگری نیز در کلام امام باقر علیه السلام نیز مشاهده می شود. (نک: قندوزی ج ۱، ص ۲۹۷ باب ۲۶؛ سیوطی، ج ۴، ص ۳۱۶ ذیل توبه ص ۱۱۹، قرطبی، ج ۱۹، ص ۸۷؛ حسکانی ج ۲، ص ۲۹۳؛ شهرستانی، ج ۱، ص ۲۳۷)

۳. بیان توصیفی و توضیحی

در این شیوه، امام علیه السلام واژه را توصیف یا توضیح می دهند. این روش را می توان در جای جای قرآن نیز مشاهده کرد، آنجا که خداوند به ذکر اوصاف متقین، مؤمنین و... می پردازد.

از امام علی علیه السلام درباره «ناشطات، ساجات، سابقات و مدبرات» سؤال شد. ایشان به توضیح و توصیف پرداخت و فرمود: «ناشطات: الملائكة تنشط أرواح الكفار ما بين الأظفار و المجلد، ساجات: الملائكة تسبح بأرواح المؤمنين بين السماء و الأرض، سابقات: يسبق بعضها بعضاً بأرواح المؤمنين إلى الله؛ المدبرات: الملائكة تدبروا امرا العباد من السنة إلى السنة» (سیوطی، ج ۸، ص ۴۰۳؛ شوکانی، ج ۵، ص ۴۵۵؛ قرطبی، ج ۱۹، ص ۱۹۰-۱۹۳)

امام علی علیه السلام «حقب» در آیه «لَا بَتَّيْنُ فِيهَا أَحْقَابًا» (نبا (۷۸) / ۲۳) را چنین توضیح و توصیف می نمایند: «نجده ثمانين سنة، كل سنة اثنا عشر شهراً، و كل شهر ثلاثون يوماً، و كل يوم ألف سنة» (طبری، ج ۳۰، ص ۱۰)؛ آن را هشتاد سال یافتیم، هر سال آن دوازده ماه، و هر ماه سی روز، و هر روز آن هزار سال (دنیا) است.

نیز از ایشان روایت شده که: ذاریات: بادهای؛ حاملات: ابرهایی هستند که آب را حمل می کنند، جاریات: کشتیها و مقسمات، ملائکه هستند. (شوکانی، ج ۵، ص ۱۰۳؛ طبری،

ج ۲۶، ص ۱۸۷؛ سیوطی، ج ۷، ص ۶۱۴؛ بخاری، ج ۳، ص ۴۸ جزء ۶؛ قرطبی، ج ۱۷، ص ۲۹؛ ابن کثیر، ج ۶، ص ۴۱۲؛ ابن عطیه، ج ۵، ص ۱۷۲)

امام باقر علیه السلام ذیل آیه «مزاجه من تسنیم» (مطففین ۸۳ / ۲۷۱) در معنی واژه «تسنیم» از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌فرماید: «هو أشرف شراب الجنة يشربه آل محمد، وهم المقربون السابقون، رسول الله و علي بن أبي طالب و خديجة و ذريتهم الذين اتبعوهم بالآيمان.» (حسکانی، ج ۲، ص ۲۲۶)

«تسنیم» برترین نوشیدنی بهشت است که آل محمد از آن می‌نوشند و آنها مقربان و سبقت‌گرفتگان؛ رسول خدا، علی بن ابی طالب، خدیجه و نسل مؤمن آنها هستند. این امام همام در حدیث دیگری «غارم» و «ابن سبیل» در آیه ۶۰ سوره توبه را چنین توضیح می‌دهد: «الغارمین: المستندین بغیر فساد» و «ابن السبیل المتجاوز من الأرض إلى الأرض.» (ثوری، ج ۱، ص ۱۲۷؛ نحاس، ج ۳، ص ۳۲۶۹)

۴. بیان توسیعی

گاه کلام اهل بیت علیهم السلام در بیان معنی واژه، فراتر از توصیف و توضیح معمولی است. در این شیوه معناشناسی، خاندان عصمت و طهارت معانی ویژه‌ای به برخی کلمات بخشیده و حوزه معنایی آن را به مرزهایی فراتر از ظاهر تعمیم داده‌اند. امام باقر علیه السلام «طاغوت» در آیه «فن يكفر بالطاغوت» را به حجابها و باز دارنده‌ها از مطالبه حق تبیین نموده (عطار نیشابوری، ج ۲، ص ۲۸۶) که به معنای «طاغوت» توسعه بخشیده‌اند. امام صادق علیه السلام «شجرة خبيثة» (ابراهیم (۱۴) / ۲۶) را به «شهوات» توسعه بخشیده‌اند:

قال جعفر الصادق رضي الله عنه: الشجرة الخبيثة الشهوات وأرضها النفوس وماؤها الأمل وأوراقها الكسل و ثمارها المعاصي و غايتها النار، و يثبت الله الذين آمنوا بالقول الثابت في الحياة الدنيا و في الآخرة، قال الصادق رضي الله عنه: تثبتهم في الحياة الدنيا على الآيمان و في الآخرة على صدق جواب الرحمن. (الوسی، ج ۲۳۹، ص ۱۳)



جعفر الصادق علیه السلام فرمود: درخت خبیث، شهوات اند و زمینش نفسها و آبش آرزوها و برگهایش تنبلی و میوه‌اش معصیت و آخر و نهایتش آتش است. و خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند، با سخن ثابت در دنیا و آخرت استوار می‌کند. و نیز صادق علیه السلام می‌فرماید: استواری و تثبیت آنها در دنیا با ایمان، و در آخرت با صدق پاسخ خداوند است.

۵. بیان تمثیلی و تصویری

تمثیل از نظر علماء، انتزاع محسوس یا نامحسوس از یک مفهوم است که نوعی تشبیه به شمار می‌رود. (هاشمی، ص ۲۳۶) که هدف از تمثیل بیان مطالب مشکل در قالب روشن‌ترین عبارات خارج ساختن آن از ابهام در رساندن به مرحله روشنایی و وضوح، می‌باشد (ابن ناظیا، ص ۲۰۵) این شیوه در کلام معصومین نیز جایگاه خاصی دارد، به طوری که امام گاه برای بیان معنی واژه، از این روش بهره می‌بردند. از امام علی علیه السلام ذیل آیه ﴿ان یأتیکم التابوت فیه سکینه﴾ (بقره ۲/ ۲۴۸) روایت شده که فرمودند: «السکینه ریح هفافة لها وجه کوجه الانسان» و در حدیث دیگری «ریح هفافة لها صورة» (طبری، ج ۵۵۸، ص ۲) به نظر می‌رسد عبارت «کوجه الانسان» در روایت اول، از اضافات راوی باشد. به هر حال تبیین حضرت، از قسم تمثیل است. طبری هم پس از بیان معنی لغوی «سکینه» می‌گوید: «اگر معنی سکینه این باشد که گفتم، پس آنچه علی علیه السلام گفته، جایز است.» (همان)

باققرین علیه السلام نیز در معناشناسی واژگان قرآن، گاه از این روش بهره برده‌اند. به عنوان نمونه از امام باقر علیه السلام ذیل آیه ﴿والله یدعوا الی دارالسلام﴾ (یونس ۱۰/ ۲۵) در معنی «دارالسلام» از زبان مبارک رسول الله صلی الله علیه و آله چنین نقل شده: رسول الله فرمود: من در خواب جبرئیل را دیدم که بالای سرم ایستاده و میکائیل در زیر پاهایم و یکی به دیگری می‌گوید: مثالی بگو (سخنی بگو). او می‌گوید: پس با گوش جانت بشنو و با عقلت درک کن، مثل تو و پیروانت مثل پادشاهی (مالکی) است که سرایی انتخاب و در آن منزلی برپا می‌کند و سپس در آن غذایی مهیا می‌سازد، رسولی می‌فرستد تا مردم را به سوی آن فرا

خواند، پس عده‌ای اجابت می‌کنند و عده‌ای ترک می‌کنند.

خدای، آن پادشاه است و آن سرای، اسلام است و خانه، بهشت است و توای محمد، دعوت کننده به آنی. پس هر کس تو را اجابت کند، داخل اسلام شده و هر کس داخل اسلام شود، داخل بهشت شده و هر کس داخل بهشت شود، از آن می‌خورد. (شوکانی، ج ۳، ص ۵۱؛ سیوطی، ج ۵، ص ۳۵۵)

مقصود از بیان تصویری، ارائه صورت تجسمی و نموداری از مفهوم یک واژه است. این فن را امروزه «هنر تصویرگری» می‌نامند که شیوه‌ای بس زیبا برای تبیین واژگان و آیات است. لذا اهل بیت علیهم‌السلام از این روش هم بهره‌های فراوان برده‌اند که مثال اول از این قسم است.

۶. بیان غایی

از مطالعه معناشناسی واژگان قرآن توسط عترت، مشخص می‌شود که ائمه اطهار علیهم‌السلام گاهی در تبیین واژگان به معنی غایی آنها نظر دارند و هدف آنها توجه دادن مسلمین به نتیجه و سرانجام عمل به آموزهای دینی است. از امام علی علیه‌السلام ذیل آیه «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران (۳) / ۱۹) روایت شده که ایشان فرمود: «الإسلام هو التسليم والتسليم هو اليقين واليقين هو التصديق والتصديق هو الإقرار والإقرار هو الأداء والأداء هو العمل» (مراغی، ج ۳، ص ۱۲۰؛ آلوسی، ۳، ص ۱۰۶) اسلام، تسلیم است و تسلیم، یقین و یقین، تصدیق و تصدیق، اقرار و اقرار، اداء و اداء، عمل نمودن است.

از امام صادق علیه‌السلام در معناشناسی «شکر» وارد شده که ایشان فرموده‌اند: «الشكر زيادة في النعم وأمان من البلاء» (سیوطی، ج ۳، ص ۱۱۳) «شکر، زیادی نعمت و امان از بلاست.» بی تردید سرانجام و نتیجه شکر خدای، فزونی نعمت و در امان بودن از بلایای سماوی و ارضی است.

۷. بیان تأویلی (باطنی)

این نوع را می‌توان مرتبه‌ای فراتر از بیان ظاهری دانست که در آن اهل بیت علیهم‌السلام به بیان باطنی واژگان قرآن می‌پردازند. به دیگر سخن، بیان تأویلی که ما آن را از مقوله باطن می‌دانیم، حقایقی فراتر از تفسیر است که ابتدا مناسبتی بین آن و معنای ظاهری نمی‌توان یافت، اما پس از بیان معصوم علیه‌السلام این تناسب روشن می‌شود. این رابطه قاعده و روش مشخصی ندارد تا همگان به تأویل قرآن دست زنند؛ بدین روی زمینه‌های تأویل ناروا برای کور دلان فراهم می‌شود. (معارف، مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی، ص ۲۴۷؛ معرفت، ص ۲۷۴؛ طباطبایی، ص ۳۳) لذا یکی از شئون مهم اهل بیت علیهم‌السلام تأویل صحیح قرآن و بیان باطن حقیقی آن است. خداوند، اطلاع از این علم را در انحصار راسخان در علم قرار داده است (آل عمران (۳) / ۷) رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و معصومین مصادیق بارز راسخان در علم هستند. با این سخن، نمونه‌هایی از بیان باطنی عترت علیهم‌السلام را که در دو حوزه «مفهوم باطنی» و «مصادق باطنی» تبلور یافته، بیان می‌کنیم.

عن أبي جعفر قال: سئل رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عن (قوله تعالى) «طوبى لهم وحسن مآب». قال: (هي) شجرة في الجنة، أصلها في داري و فرعها على أهل الجنة. ثم سئل عنها مرة أخرى قال: (طوبى) شجرة في الجنة، أصلها في دار علي و فرعها على أهل الجنة. فقيل له: سألنا عنها يا رسول الله، فقلت: أصلها في داري، ثم سألناك مرة أخرى فقلت: شجرة في الجنة أصلها في دار علي و فرعها على أهل الجنة. فقال: «إنّ داري و دار علي واحدة.» (حسكاني، ج ۳۰۵؛ حنفی، ج ۱، ص ۲۸۸؛ ثعلبی، ج ۵، ص ۲۹۱؛ قرطبی ج ۹، ص ۳۱۷؛ سیوطی، ج ۴، ص ۵۹)

از امام باقر علیه‌السلام روایت شده که از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره این سخن خدای تعالی «طوبی لهم» سؤال شد. ایشان فرمودند: درختی است در بهشت که

ریشه آن در خانه من است و شاخه‌های آن در میان اهل بهشت است. یک بار دیگر پرسیدند، فرمودند: ریشه آن در خانه علی علیه السلام است و شاخسار آن در خانه اهل بهشت. سائل در مورد این دو جواب پرسید. پیامبر فرمودند: خانه من و علی در بهشت یکی است.

ذیل آیه «فَنَهَمُ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مَّقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ» (فاطر (۳۵) / ۳۲) روایت شده که امام صادق علیه السلام فرمود: «الظالم لنفسه» کسی است که حق امام را شناسد، و «المقتصد» عارف به حق امام است و «السابق» امام می‌باشد. (آلوسی، ج ۲۲، ص ۱۹۶) امام در این حدیث یکی از تأویلات زیبای آیه را بیان می‌کنند. ایشان در حدیثی دیگر در طلیعه سوره «طه» این کلمه را به «طهارت اهل بیت محمد» (ثعلبی ذیل طه (۲۰) / ۱) تأویل نموده و «یس» را به «إِنَّه أَرَادَ يَا سَيِّدَ مَخَاطِبَةِ لَنَبِيهِ (ص)» تأویل نموده‌اند. (قرطبی، ج ۵، ص ۱۵) بدون شک علم به حروف مقطعه، از اسرار نهانی الهی است که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام برخی از بطون آن را بیان نموده‌اند.

این امام همام در مقام دفاع از عصمت انبیای الهی، حقیقت «برهان رب» در آیه «لَوْلَا أَن رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ» (یوسف (۱۲) / ۲۴) را چنین بیان نموده‌اند: «البرهان النبوة التي اودعها الله في صدره، حالت بينه وبين ما يسخط الله عز وجل برهان همان ودایع نبوت است.» «مُظْهَرِي» این تأویل امام را بهترین قول می‌داند. (بغوی، ج ۲، ص ۳۵۴؛ اسفراینی، ج ۳، ص ۱۰۶۳؛ مُظْهَرِي، ج ۵، ص ۲۴)

امام صادق علیه السلام در حدیثی «حبل الله» در آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (آل عمران (۳) / ۱۰۳) را این گونه تبیین فرموده‌اند: «نحن حبل الله الذي قال الله: وَاَعْتَصِمُوا...» (ابن حجر، ص ۹۰؛ شبلنجی، ص ۱۰۱؛ ثعلبی، ذیل آل عمران (۳) / ۱۰۳؛ سمهودی، ج ۳، ص ۱۷۸؛ قندوزی، ج ۲، ص ۳۶۸)

نتیجه

با بررسی روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام - که در منابع اهل سنت آمده - مشخص می شود که عترت با بیانهای متنوعی از معناشناسی واژگان - بر حسب نوع مخاطب، فضای موجود، سطح درک مردم - به تبیین مقاصد الهی پرداخته اند.

ائمّه علیهم السلام گاه با بیان ظاهری در حوزه استعمال عرب یا کاربرد خود متکلم (خداوند) معنای واژه را تبیین نموده اند و زمانی با جری و تطبیق در وادی مصداق شناسی معنای کلمه را مشخص می کنند. توضیح و توصیف واژگان در هنگام لزوم، توسعه معنایی، بهره گیری از تمثیل، تصویرگری واژه، بیان غایی و باطنی از دیگر شیوه های بیانی عترت در روایت تفسیری اهل سنت است.

منابع

۱. آلوسی، ابی الفضل شهاب الدین. روح المعانی. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲. ابن حجر الهیتمی، احمد. الصواعق المحرقة. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳. ابن عطیه. تفسیر المحرر الوجیز. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ ق.
۴. ابن کثیر، عماد الدین ابوالفداء. تفسیر قرآن العظیم. بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
۵. ابن ناویا، عبدالله بن محمد. الجمان فی تشبیہات القرآن. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۱۶ ق.
۶. ابو نعیم اصفهانی. حلیہ الاولیاء. بیروت: دارالکتب العربی، ۴۰۷ ق.
۷. اسفرائینی. تفسیر تاج التراجم. تهران: انتشارات علمی ج فرهنگ، ۱۴۱۷ ق.
۸. بابایی، علی اکبر. روش های تفسیر قرآن. تهران: انتشارات سمت، ۱۴۲۳ ق.
۹. بخاری، ابی عبدالله محمد بن اسماعیل. صحیح بخاری. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۰. بغوی، ابو محمد الحسین بن مسعود الفراء. معالم التنزیل. بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. ثعلبی، ابی اسحاق احمد ابراهیم نیشابوری. تفسیر الکشف والبیان (تفسیر ثعلبی). دار الاحیاء للتراث، ۱۴۲۲ ق.
۱۲. ثوری، ابی عبدالله سعید. تفسیر (الثوری). بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ ق.
۱۳. حسکانی، عبید الله بن احمد الحنفی. شواهد التنزیل لقواعد التفسیر. تحقیق محمد باقرالمحمودی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ ق.
۱۴. راغب اصفهانی. المفردات. مصر: مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۸۱ ق.
۱۵. زرقانی، عبدالعظیم. مناهل العرفان فی علوم القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. زرکش، محمد بن عبدالله. البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۹۱ ق.
۱۷. السمهودی، نورالدین علی. جواهر العقدين. بیروت: دارالفکر.
۱۸. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. الدر المنثور فی التفسیر المأثور. بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
۱۹. شاکر، محمد کاظم. روش های تأویل قرآن. قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه، ۱۴۱۸ ق.
۲۰. الشبلنجی، موسی بن حسن بن مومن. نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار. بیروت: دار

الكتب العلمیه.

۲۱. شوکانی، محمدبن علی. فتح القدير الجامع بين الروايه و الدرايه في علم التفسير. بيروت: دار المعرفه.

۲۲. شهرستانی، عبدالکريم. مفاتيح الاسرار و مصاييح الابرار. شرکه النشر و احیاء الكتاب، ۱۴۱۸ ق.

۲۳. طباطبائی، محمد حسین. قرآن در اسلام. تهران: دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۵۳ ق.

۲۴. طباطبائی، سید محمد حسین (علامه). الميزان في تفسير القرآن. بيروت: مؤسسه اعلمی، ۱۳۹۲ ق.

۲۵. طبری، ابو جعفر محمدبن جریر. جامع البيان في تأويل آي القرآن. بيروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق.

۲۶. عطار نیشابوری، شیخ فرید الدین. تذکره الاولیاء. بر اساس نسخه نیکلسن، تهران: نشر علم.

۲۷. علوی مهر، حسین. روش های و گرایش های تفسیری. قم: انتشارات اسوه، ۱۴۲۳ ق.

۲۸. قرطبی. الجامع لاحکام القرآن. بيروت: دارالكتاب العربی، ۴۲۲ ق.

۲۹. قندوزی، حنفی، ابراهیم. ينابيع الموده لذوی القربى. تحقيق سيد على جمال اشرف الحسيني، قم: دار الاسوه، ۱۴۲۲ ق.

۳۰. مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار. بيروت: دارالوفا، ۱۴۰۳ ق.

۳۱. مراغی، احمد المصطفی. تفسير القرآن (تفسير مراغی). بيروت: دار الكتب العلميه، ۱۴۱۹ ق.

۳۲. مظهری، قاضی محمد ثناء الله. تفسير، تحقيق احمد غرو عنايه. بيروت: دار الاحیاء للتراث، ۴۲۵ ق.

۳۳. معارف، مجید. مباحثی در تاریخ و علوم قرآنی. تهران: انتشارات نباء، ۱۴۲۵ ق.

۳۴. معارف، مجید؛ اوجاقلو، ابوالقاسم. گونه شناسی تبیین واژگان دینی در روایات معصومان. مجله مقالات و بررسیها، دانشگاه تهران، دفتر ۷۹.

۳۵. معارف، مجید. شناخت حدیث. تهران: مؤسسه فرهنگی نباء، ۱۴۲۷ ق.

۳۶. معرفت، محمد هادی. علوم قرآنی. قم: انتشارات التمهید، ۱۴۲۳ ق.

۳۷. مودب، سید رضا. روش های تفسیر قرآن. قم: انتشارات اشراق، ۱۴۲۲ ق.

۳۸. میرباقری، سید محسن. ظاهر قرآن و باطن قرآن. تهران: انتشارات رایزن، ۱۴۲۲ ق.

۳۹. نحاس. معانی القرآن. (نرم افزار المكتبة الشاملة)

۴۰. هاشمی، سید احمد. جواهر البلاغة. قم: انتشارات مصطفوی، ۱۴۱۹ ق.